

مشکل حال حاضر ایران - اگر همان‌گونه که سیاستمداران آمریکایی و اسرائیلی بر آن اصرار می‌ورزند، بر ساخت بمب مضمم باشد - همین است. تأسیسات هسته‌ای اصلی ایران، از جمله رآکتور ساخت آمریکا در اراک، نیروگاه تولید اورانیوم نطنز، نیروگاه هسته‌ای ناتمام بوشهر و تجهیزات ناتمام قم، اکنون تحت نظارت و بازرسی سازمان ملل قرار دارند.

اگر همان‌طور که برخی اصرار دارند، تهران به ساخت بمب نزدیک است، احتمالاً باید از نیروگاه‌های تولید اورانیوم غنی‌شده دیگری نیز برخوردار باشد. در چنین موقعیتی، چرا آمریکا باید بر تحریم‌ها که مشخص نیست دست آخر به چه نتیجه‌ای می‌رسند، تأکید کند؟ ■

تحریم‌ها به هرگونه جنگی منتهی شود. در واقع به نظر می‌رسد چنین سیاستی در شرف عملی شدن است و آمریکا نباید آن را تغییر دهد.

بر اساس مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز، تولید اورانیوم ایران در نطنز با مشکلاتی روبرو شده است. تعداد سانتریفیوژهای عملیاتی ۲۰ درصد، یعنی به کمتر از ۴ هزار عدد کاهش یافته‌اند. سانتریفیوژها که بر اساس تکنولوژی نسل اول ساخته شده‌اند، در حال از بین رفتن هستند. گزارش‌هایی هم رسیده مبنی بر این که اورانیوم غنی‌شده نطنز خلوص کافی برای غنی‌سازی بیشتر را ندارد. اعلام ساخت تجهیزات غنی‌سازی دیگری در قم هم مشکلات ایران را پیچیده‌تر کرده است. بازرسان سازمان ملل در بازرسی‌های خود دریافتند این سایت ظرفیت جای دادن تنها ۳ هزار سانتریفیوژ را دارد.

## اصلاح نرخ ارز

# مدیریت بد

## عاقبت صدای اعتراض صادرکنندگان کشور از دهان وزیر بازرگانی و رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران شنیده شد.

صادرکنندگان کشور که از پایین بودن قیمت دلار به ستوه آمده‌اند، اینگونه اذعان می‌دارند که مداخله دولت در پایین نگه داشتن نرخ ارز منجر به خسران صادرکنندگان و افزایش واردات و در نتیجه صدمه به تولیدکنندگان و صادرکنندگان شده است. از طرفی رییس کل بانک مرکزی، قیمت فعلی ارز را در بازار واقعی دانست و اعلام کرد قیمت دلار پایین نگه داشته نشده است.

نرخ ارز یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار و متقابلاً تأثیرپذیر اقتصاد در سیاست‌های پولی و مالی یک کشور محسوب می‌شود. در این بین سیاست‌گذاران پولی و مالی ابتدا باید اهدافی را که در تعیین نرخ ارز دنبال می‌کنند مشخص کنند، چرا که چگونگی مدیریت و کنترل نرخ ارز به هدفی که دنبال می‌شود بستگی دارد. به‌طور مثال، ابزارها و شیوه‌های مدیریت و کنترل نرخ ارز که هدف افزایش صادرات یا ایجاد توازن در مبادلات تجاری را دنبال می‌کنند، با شیوه‌های کنترل و مدیریت نرخ ارز با اهداف ضد تورمی و به عنوان ابزاری برای کسب درآمد برای دولت متفاوت هستند.

براساس نظریه برابری قدرت خرید، نرخ ارز تابعی از نسبت شاخص قیمت داخل به خارج یا نسبت تورم داخل به خارج است. بنابراین تفاضل مثبت نرخ تورم داخل با خارج باید باعث تقلیل ارزش پول داخلی و افزایش ارزش پول خارجی شود. در نظام نرخ ارز شناور بدون مداخله دولت، عرضه و تقاضای پول‌ها در بازارهای ارز رابطه بین دو پول را مشخص می‌کند.

## رقابت با واردات

در نظام نرخ ارز شناور با مداخله دولت به خاطر برخی ملاحظات اقتصادی در بازار ارز مداخله می‌کند. مثلاً ارزش پول داخلی را با وجود این که به خاطر بیشتر بودن نرخ تورم داخل از خارج باید کاهش دهد، ثابت نگه می‌دارد. ارزش بیش از حد پول داخل باعث می‌شود به خاطر کاهش نیافتن ارزش پول داخلی، واردات ارزان و صادرات گران شود. مداخله دولت در بازار ارز بدین شکل، قدرت رقابت صادرکنندگان و صادرات را کاهش می‌دهد و به دلیل عدم افزایش قیمت واردات، تقاضا برای واردات افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، خالص صادرات که تفاوت بین صادرات و واردات است، کاهش یافته و باعث کاهش درآمد ملی می‌شود.

در نظام شناور بدون مداخله، بیشتر بودن نرخ تورم داخل در مقایسه با تورم در کشورهای شریک تجاری، تقلیل ارزش پول داخلی و افزایش ارزش پول شرکای تجاری باعث افزایش صادرات کشور و کاهش واردات می‌شود و تراز جاری پرداخت‌های خارجی را بهبود می‌بخشد. افزایش صادرات، تولید داخلی را بالا می‌برد و اشتغال در داخل افزایش



می‌یابد. کاهش واردات نیز باعث افزایش مصرف کالاهای داخلی شده و همین اثر مثبت را بر نرخ رشد، تولید ملی و اشتغال می‌گذارد. در سال‌های اخیر، مداخله دولت در بازار ارز باعث

ارزش بیش از واقع و مصنوعی ریال در برابر سایر پول‌ها شده است. قاچاق کالا و واردات کالاهای رقیب تولید داخلی نیز باعث ورشکستگی بسیاری از تولیدکنندگان و بستن بسیاری از واحدهای تولیدی شده است. در حال حاضر، بسیاری از تولیدکنندگان به دلیل عدم امکان رقابت با واردات، تولید خودشان را رها کرده و خود، واردکننده همان تولیدات شده‌اند و بعضاً با همان نام تولیدکننده، کالای خود را به نام مواد اولیه یا کالای واسطه‌ای وارد کرده و فقط آن را بسته‌بندی و روانه بازار می‌کنند. این واردکنندگان شکل تولیدکنندگی خود را حفظ کرده‌اند؛ چون از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند، ولی در عمل تولید واقعی و اشتغال‌آفرینی ندارند. با نرخ ارز مدیریت‌شده فعلی، صادرات دیگر مقرون به صرفه نیست و صادرکنندگان و تولیدکنندگان کالاهای صادراتی به واردکننده تبدیل خواهند شد و این خطر بزرگی برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود.

## باز هم چین

اکنون صادرکنندگان ایرانی چین را رقیب بزرگی در اشباع بازارهای هدف صادراتی پیشین و فعلی خود می‌دانند و معتقدند چین در بازارهای کشورهای آسیای میانه نیز نفوذ کرده است. شاید دلیل این اتفاق این باشد که سیاست اقتصادی کشور چین همواره توسعه و تقویت صادرات بوده است و فراموش نکنیم که چین حتی در شرایط غیرتورمی هم با افزایش نرخ ارز از قدرت اقتصادی خود محافظت می‌کند. اما سهم صادرکنندگان کشورمان در ارایه تسهیلات بانکی تنها ۲ درصد است که این رقم، بسیار ناچیز است.

پایان کلام این که صادرکنندگان اکنون انتظاراتی بحق دارند که باید از سوی دولت و بانک مرکزی به آن توجه و ترتیب اثر داده شود؛ انتظاراتی از قبیل افزایش سرمایه در بانک‌های صادراتی و تجاری، اجازه تأسیس بانک‌های خارجی در ایران به منظور ایجاد فضای رقابتی با بانک‌های ایرانی، کاهش نرخ بیمه صادراتی توسط مؤسسات پوشش‌دهنده اعتباری و توجه جدی بانک‌های عامل به موضوع صادرات. ■